



متقاضیان مسکن مهر در تجمع مقابل مجلس شعار دادند

## رأی مارو گرفتن کلید به ما نمی‌دن!

صفحه ۵

یادداشت روز

### چرا یارانه نقدی نان افزایش نمی‌یابد؟

مهندس نادر قاضی‌پور \*

با آنکه مدتی از گران شدن نان می‌گذرد ولی ظاهراً قرار نیست نظارتی بر اینکه لاقل همان ۳۰ درصد اعلامی دولت گران و به قول دولت،



اصلاح شود، صورت گیرد. در این باره نکاتی وجود دارد که شایسته یادآوری است. یک - وقتی حضرت امام (ره) دستور تأسیس سازمان تعزیرات را صادر کردند، نان را در اختیار دولت قرار دادند تا این کلای اساسی زندگی مردم که مستقیم یا خوراک ملت در ارتباط است و قوت غالب مردم است، قیمت دولتی داشته باشد. نان، غذایی است که بر سر سفره کارگران، قشر کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه قرار می‌گیرد و این قشر هر چه را که نتوانند تهیه کنند، نان را باید بتوانند تهیه کنند؛ از این رو به دلیل ارتباط مستقیم نان با معیشت و خوراک مردم، درباره نان همواره باید طوری تدبیر شود که همیشه بر سر سفره‌ها حضور داشته باشد. بنابراین دولت نباید بدون توجه به معیشت مردم قیمت نان را به یکباره افزایش می‌داد.

دو - سفره سرمایه‌داران وابستگی مستقیم به نان ندارد. سرمایه‌داران بوقلمون و کباب و انواع اطعمه و اشربه را سر سفره‌شان دارند و سالاد و دسر می‌خورند و نان هم نباشد اموراتشان با شیرینی می‌گذرد اما افزایش قیمت نان فشار زیادی بر قشر آسیب‌پذیر جامعه آورده است و با وجود گذشت چندین هفته از اصلاح (۱) قیمت آن، هنوز آسیب‌پذیران جامعه نتوانسته‌اند با این موضوع کنار بیایند. نمایندگان ملت در مجلس وظیفه خود دانسته و از زمانی که قیمت نان افزایش یافت بارها و بارها این مساله را به دولت تذکر دادند و امیدواریم در جریان بررسی بودجه ۹۴ که در حال حاضر در کمیسیون تلفیق تحت بررسی است، فکر اساسی به حال خوراک اصلی مردم شود.

سه - در برخی شهرها ۳۰ درصد، در برخی ۴۰ درصد، در برخی شهرها ۵۰ درصد و در برخی شهرها تا ۱۰۰ درصد قیمت نان افزایش یافته است. قیمت نان ۵۰۰ تومانی در ارومیه - حوزه انتخابیه این جنب - ۲ برابر شده و به ۱۰۰۰ تومان رسیده است. ما انتظار داشتیم دولت قیمت نان را به صورت یارانه‌ای نگه داشته و یارانه آن را به نانوایان بپردازد و افزایش هزینه‌ها را بر کالاهای غیراساسی و همچنین کالاهای لوکس و غیرضروری مصرفی اعمال می‌کرد، نه اینکه بیهای نان را که قوت غالب مردم است افزایش دهد. قیمت نان و برق بدون مجوز مجلس از سوی دولت افزایش یافته است. این اقدامات به قشرهای ضعیف جامعه فشار زیادی تحمیل می‌کند و ممکن است تبعات فراوانی برای دولت داشته باشد.

چهار - دولت افزایش قیمت نان را وسط سال انجام داد اما کدام کارگر وسط سال حقوقش افزایش می‌یابد که بتواند این افزایش قیمت را جبران کند؟! اگر اصرار بر گرانی قیمت نان هم از سوی دولت وجود داشت، باید حقوق کارگران در اول سال افزایش می‌یافت و مناسب با آن قیمت نان هم بالا می‌رفت نه وسط سال. پنج - حال که دولت این تصمیم را عملی کرده و چندین هفته هم از اجرای البته شبانه (۱) گران شدن قیمت نان می‌گذرد، لاقل چرا بر میزان یارانه افزوده نمی‌شود؟! یارانه از ۴ سال و ۲ ماه پیش که اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها کلید خورد تاکنون یک ریال هم افزایش نیافته در حالی که همه چیز به نسبت ۵۰ ماه قبل افزایش قیمت را به خود دیده است. حال که این افزایش در یارانه‌ها تاکنون انجام نشده و نان هم به قول دولت ۳۰ و در عالم واقعیت تا ۱۰۰ درصد گران شده است؛ نباید از سوی دولت در پی افزایش قیمت نان، یارانه‌های مخصوص آن به میزان یارانه ماهانه افزوده شود؟! \*نماینده مردم ارومیه و عضو کمیسیون صنایع

یازگشت همه به‌سوی اوست

هنرمند گرامی جناب آقای

سید شهاب‌الدین حسینی

در گذشت پدر گرامی‌تان را به جنابعالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحوم غفران و آموزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم  
وطن امروز

جفری استرلینگ مأمور سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا به اتهام افشای اطلاعات عملیات سری در ایران محکوم شد

# اعتراف سیا

# به خرابکاری هسته‌ای

صفحه ۲



توافق! حاکی از آن است که هنوز هیچ چارچوب مشترک و مشخصی برای توافق حاصل نشده است؛ همه طرف‌های غربی معتقدند مذاکرات تا زمان طولانی و نامعلومی ادامه دارد و ایران نیز باید اعتماد

جامعه جهانی و غرب را تأمین کند. وزیر خارجه آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان بر نبود هیچ مبنای مورد توافقی بین ایران و غرب اشاره کردند و این نشان می‌دهد مذاکرات هنوز در سطح طرح ایده و پیشنهاد باقی است و هیچ نقطه مشترکی بین دو تیم وجود ندارد، این در شرایطی است که یک سال و نیم از مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم می‌گذرد و هنوز هیچ چارچوبی برای مذاکرات مشخص نشده است. به نظر می‌رسد مذاکرات ایران و ۵+۱ که پشت درهای بسته صورت می‌گیرد با کارگشایی‌های طرف غربی و نیز یافتن طرح‌ها و ایده‌های تیم ایرانی در پار بست شود؛ شواهد حاکی است طرف غربی تیم مذاکره‌کننده خالی شده و عملاً حقوق ایران استیفا نشده است (برای مثال دولت یازدهم اورانیوم موجود غنی شده ۲۰ درصد را اکسید یا رقیق کرد و متعهد شد بیش از ۵ درصد غنی‌سازی صورت گیرد و در ضمن هیچ پیشرفت و توسعه‌ای را در فعالیت‌های هسته‌ای انجام ندهد.) نکته مهم اینکه در توافقی ژنو هیچ تعهدی از سوی ۵+۱ مبنی بر برداشتن تحریم‌ها مطرح نشده و فقط بحث تعلیق تحریم‌های جدید مطرح است و تحریم‌های قبل از توافقی ژنو بر جای خود باقی است و اعمال می‌شود؛ در ضمن طرف غربی بارها اشاره کرده است که امکان برداشتن تحریم‌ها حتی در پایان توافق هسته‌ای نیز وجود نخواهد داشت و در صورتی هم که پرونده هسته‌ای ایران منتهی شود تحریم‌ها و فشارها بر ایران به واسطه مسائل حقوق بشر و تروریسم ادامه خواهد داشت، چراکه غرب معتقد است ایران ناقض حقوق بشر و حامی تروریسم بین‌المللی است و اینجاست که به معما و پنهان هسته‌ای پی می‌بریم.

شرایط همگی نشان می‌دهد غرب سعی می‌کند با حفظ تحریم‌ها و فشارها بر جمهوری اسلامی موجب تضعیف و عقب‌نشینی ایران شود و به همین منظور با تمدید مذاکرات هسته‌ای به فرسایشی شدن آن دامن می‌زند تا توان دولت و دستگاه سیاست خارجی را تحلیل برد. تمدید چندباره مذاکرات بعد از توافق ژنو بویژه بعد از دهمین دور مذاکرات هسته‌ای در وین همگی نشان می‌دهد پرونده هسته‌ای هنوز با قدرت و شدت زیادی در جریان است. تمدید ۷ ماهه مذاکرات و مسکول کردن توافق نهایی! به ۱۰ تیر ۱۳۹۴ (اول جولای ۲۰۱۵) و تعیین ۱۰ اسفند ۱۳۹۳ (اول مارس ۲۰۱۵) برای دستیابی به چارچوب کلی

### در مذاکره به نقاط حقیقی بنگریم

سیدمهداسیدبزرگر

۱۸ ماهی که از عمر دولت جدید می‌گذرد تیم دیپلماتی و دستگاه اجرایی کشور در این امر ناکام بوده و کاری از پیش نبرده‌اند. دولت یازدهم و تیم دیپلماتی آن که منتقد شدید دور قبلی مذاکرات بودند و از نوع و روند مذاکرات هسته‌ای در دولت هفتم انتقاد و آنها را به دشمن‌تراشی و تنش‌زایی می‌پایان، قطعنامه‌ها و فشارهای سنگین علیه ایران، تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه بین‌المللی و موج جدیدی از ایران‌هراسی علیه جمهوری اسلامی که نشان از خاص و استثنا بودن موضوع جمهوری اسلامی ایران دارد. این در حالی است که این قبیل فشارها و تحریم‌ها فقط به خاطر مساله هسته‌ای نامعقول و غیرقابل باور و در تاریخ عرصه بین‌الملل بی‌سابقه است.

ایران در سال ۱۳۳۶ (۱۹۵۸) به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درآمد و در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۸) نیز معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را داوطلبانه امضا کرده و در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز پایبندی و احترام خود به قانون NPT را نشان داده است و رهبر حکیم انقلاب نیز بارها براساس شریعت مقدس اسلام دستیابی به سلاح هسته‌ای را حرام و خارج از دکتین نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران دانسته‌اند اما با این احوال، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل، جمهوری اسلامی ایران را به غیر صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای متهم و تحت فشار قرار می‌دهند و با رژیم غاصب صهیونیستی که دارای بمب‌های هسته‌ای متعدد و سه‌گانه اتمی است و حتی قانون NPT را نیز امضا نکرده است هیچ‌گونه برخوردی ندارند. این شواهد به‌خوبی حاکی از این مساله است که پرونده هسته‌ای ایران بهانه‌ای بیش نیست و هدف اصلی غرب و آمریکا اصل نظام جمهوری اسلامی ایران است، چرا که ادامه حیات خود را در نبود جمهوری اسلامی می‌دانند و همه تلاش خود را می‌کنند تا به این امر دست یابند.

با این مقدمه به اینجا می‌رسیم که بعد از این همه سال که از آغاز پرونده هسته‌ای می‌گذرد دولت و تیمی مسؤولیت قوه مجریه و به تبع آن سیاست خارجی و پرونده هسته‌ای را برعهده گرفته‌اند که در آغاز این بحران نیز خود سکاتلار این بخش بوده‌اند. دولت یازدهم و تیم دیپلماتی آن وعده داده بودند پرونده هسته‌ای را که توان و قوت ۳ دولت، ۹، ۱۰ را گرفته و هزینه‌های زیادی را نیز به کشور تحمیل کرده است، در اسرع وقت و بدون صرف هزینه و انرژی زیادی با موفقیت حل و فصل کنند و چرخ‌های اقتصاد، توسعه و پیشرفت کشور را به حرکت درآورند تا زندگی و وضع اقتصادی مردم به سوی مطلوب شدن حرکت کند اما طی این

### دیپلماتی

حدود ۱۲ سال است از شکل‌گیری پرونده هسته‌ای ایران می‌گذرد، یعنی از ۲۲ بهمن ۱۳۸۱ و به‌طور دقیق‌تر از ۲۶ خرداد ۱۳۸۲ (ژوئن ۲۰۰۳) و پس از گزارش محمد البرادعی به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر مخفی‌کاری در برنامه‌ها و فعالیت‌های هسته‌ای و کوتاهی در ارائه گزارش از سوی جمهوری اسلامی ایران به آژانس، پرونده هسته‌ای ایران به صورت یک پرونده خاص و ویژه شکل گرفت و این آغازی بود بر دوره پیچیده‌ای از مذاکرات بی‌پایان، قطعنامه‌ها و فشارهای سنگین علیه ایران، تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه بین‌المللی و موج جدیدی از ایران‌هراسی علیه جمهوری اسلامی که نشان از خاص و استثنا بودن موضوع جمهوری اسلامی ایران دارد. این در حالی است که این قبیل فشارها و تحریم‌ها فقط به خاطر مساله هسته‌ای نامعقول و غیرقابل باور و در تاریخ عرصه بین‌الملل بی‌سابقه است.

ایران در سال ۱۳۳۶ (۱۹۵۸) به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درآمد و در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۸) نیز معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را داوطلبانه امضا کرده و در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز پایبندی و احترام خود به قانون NPT را نشان داده است و رهبر حکیم انقلاب نیز بارها براساس شریعت مقدس اسلام دستیابی به سلاح هسته‌ای را حرام و خارج از دکتین نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران دانسته‌اند اما با این احوال، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل، جمهوری اسلامی ایران را به غیر صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای متهم و تحت فشار قرار می‌دهند و با رژیم غاصب صهیونیستی که دارای بمب‌های هسته‌ای متعدد و سه‌گانه اتمی است و حتی قانون NPT را نیز امضا نکرده است هیچ‌گونه برخوردی ندارند. این شواهد به‌خوبی حاکی از این مساله است که پرونده هسته‌ای ایران بهانه‌ای بیش نیست و هدف اصلی غرب و آمریکا اصل نظام جمهوری اسلامی ایران است، چرا که ادامه حیات خود را در نبود جمهوری اسلامی می‌دانند و همه تلاش خود را می‌کنند تا به این امر دست یابند.

با این مقدمه به اینجا می‌رسیم که بعد از این همه سال که از آغاز پرونده هسته‌ای می‌گذرد دولت و تیمی مسؤولیت قوه مجریه و به تبع آن سیاست خارجی و پرونده هسته‌ای را برعهده گرفته‌اند که در آغاز این بحران نیز خود سکاتلار این بخش بوده‌اند. دولت یازدهم و تیم دیپلماتی آن وعده داده بودند پرونده هسته‌ای را که توان و قوت ۳ دولت، ۹، ۱۰ را گرفته و هزینه‌های زیادی را نیز به کشور تحمیل کرده است، در اسرع وقت و بدون صرف هزینه و انرژی زیادی با موفقیت حل و فصل کنند و چرخ‌های اقتصاد، توسعه و پیشرفت کشور را به حرکت درآورند تا زندگی و وضع اقتصادی مردم به سوی مطلوب شدن حرکت کند اما طی این

### نگاه

#### «ظریف»، حریف نیست!

سید آزاده امامی

«من دیپلمات نیستم»، حتی یک مطبوعاتی حرفه‌ای هم نیستیم اما آنقدر پشای صحبت دیپلمات‌ها نیستیم و آنقدر تحلیل‌های دیپلماتیک از این و آن خوانده‌ام که بدانم دنیای دیپلماتی دنیای نمادها و استعاره‌ها و کنایه‌هاست. آنقدر با الزامات این حوزه عجین هستم که بدانم هر کنش و منشی را در دنیای دیپلماتی معنایی است و در پس هر رفتار و گفتار و کردار، از پیام درپای است.

مثلاً خوب می‌دانم در شرایطی که رنگ کراوات فلان فرد هم برای بهمان برنامه خاص با دقت انتخاب می‌شود، وقتی «فرید زکریا» با لباس اسپورت غیررسمی یا رئیس‌جمهور ایران برای مهم‌ترین شبکه تلویزیونی آمریکا مصاحبه می‌گیرد، یعنی چه!

خوب می‌دانم وقتی در سال «گفت‌وگوی تمدن‌ها»، «جنگ تمدن‌ها» عَلم می‌شود، یعنی چه!

خوب می‌دانم وقتی در یک نشست رسمی دوجانبه «کف کش» کسی به سمت دیگری باشد، یعنی چه!

یا وقتی دیپلماتی دستش را برای دست دادن با دیپلمات دیگری بیش از حد دراز کرده باشد، یعنی چه!

یا حتی سندی‌هایی که دوطرف قرار است بر آن بنشینند اگر مثل ممل باشند یا نباشند، چه مفهومی دارد!

خوب می‌دانم نوع و اندازه «لبخند» چقدر باشد، چه پیامی دارد!

خوب می‌دانم برای دولتی که «تدبیر»ش خلاصه در «مذاکره با کدخدا»ست و «امید»ش نیز به نرمش حضرت «کدخدا»، دیپورت شدن سفیرش از سازمان ملل یعنی چه! (چونان که خوب می‌دانم راز سکوتش را در این ماجرا، و خوب می‌دانم اگر این واقعه در دولت «ان» که رفته» رخ داده بود، چه‌ها که نمی‌کردند دولتی‌های فعلی و اعوان و انصار مطبوعاتی‌شان!) یا...

نیز خوب می‌دانم «زیادرموی» «ظریف» یا «کری» چه معنایی دارد و در این بحبوحه اهانت به قداست ساحت رسالت، «سفر به فرانسه» چه مفهومی!

من خوب می‌دانم و «دیپلمات»‌ها و «مطبوعاتی‌های حرفه‌ای»، خوب‌تر از من...

پس تغافل و تجاهل در این فقره شدیداً بلاموضوع و ناموجه است، چه از جانب «دیپلمات»‌ها باشد، چه «مطبوعاتی»‌ها، چه هر کس دیگری...

ادامه در صفحه ۱۶